

عنوان و نام پدیدآور: کی می دونه که کیه؟/ الهام سادات افراز

مشخصات نشر: تهران: آفشید، ۱۳۹۱

مشخصات ظاهری: ۱۶۱ ص. مصور.

اندازه قبل از برش: ۱۴×۱۴/ اندازه بعد از برش: ۱۳×۱۳/۵

موضوع: ادبیات. داستان کوتاه.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۰۴۷۹-۱-۸

وضعیت فهرست نویسی: فیا

یادداشت: عنوان به فرانسه: Qui s'agit qui est?

موضوع: قطعه های ادبی — قرن ۱۴

رده بندی کنگره: ۱۳۹۰ ک۹۱۶ ف/ PIR ۷۹۵۲

رده بندی دیووی: ۸ ف۶۲/۸

شماره کتابشناسی ملی: ۲۳۰۲۶۳۰



نشر: تهران افشید ۱۳۹۱

مؤلف: بهاد سادات فرز

کد رهگیری: ۱۰۹۱۵۱۰۷۸۱۱۵

صفحه آری و طراحی جلد: تیم ساداتی

تصویرگری اشکال: بهاد فرز

شماره: ۱۵۰۰

نوبت چاپ: اول تابستان ۹۱

چاپخانه: گنج مدیا

نشر: گنج

قیمت: ۱۷۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۴۹۰-۴۷۹-۱-۸

آدرس نشر: شهر جدید، پلاک ۱۰۰، ساختمان فجر طبقه

دوم تلفن: ۰۲۱-۸۸۹۱۱۴۷۷

آدرس الکترونیکی مؤلف: E_afraze@yahoo.com

کلیه حقوق این اثر برای مؤلف محفوظ میماند.

ما که آخرش نفهمانیم کی کیه! تصویر ساز نویسنده است یا نویسنده تصویر ساز؟! اسم هر دو شوالیه یکیه... نه این گونه... نه اون ایته... بلکه هر کی واسه خودش یکیه... متاسفانه به دلیل کتابچه اسمی اینجانب (نویسنده) با سرکار خانم الهام افراز- تصویر ساز- این کتابچه موجب شد در اثر قبلی بنده تحت عنوان "کی بود کی نبود" نام ایشان از قلم بیفتد. بی تردید این پیش آمد به معنای نادیده گرفتن زحمات ایشان نیست و من همواره سپاسگزار این عزیزان خواهم بود.

نویسنده: الهام سادات افراز

مقدمه

در جستجوی "خود" و دانستن اینکه که هستیم... ره به پرسشگری می بریم... راهی پر از پاسخ... بی آنکه پاسخگو را بشناسیم... سراسیمه در پی یافتنیم... یافتن "خود"... و لهیب عطرش گاه ما را به گمشدگان لب دریا و زمانی به حیرانی بیابانی سراب زده می رساند. آیا ایر گمشدگان، راه را می شناسند؟... آیا خود می دانند که هستند؟... "من کیستم؟" را باید از چه کسی پرسید و آیا رسیدن به پاسخ این پرسش، برای کامل نمودن راه کافی است؟... جواب را یافتن یا جواب شدن؟...

گذر از "من فردی" به "من جمعی" و عبور "من جمعی" از مرزهای بودنی پر از سوال و تردید که در حقیقت، نبودن است... عبور از فراسوی شناخت و رسیدن به نبودنی که بودن حقیقی است؛ این، نقش "من" است... نقشی در کنار تو... و من بی تو... تو بی او... هرگز بودن حقیقی را تجربه نخواهیم کرد...

“کی میدونه که کیه؟” بی پیرایه و ساده جایگاه حیرانی آدمی در شناخت خود و نقش پر اهمیت نپذیرفتن هر پاسخی را به خوبی بیان می کند و اینکه در غوغای اشکال و هیاهوی قالب ها و ساختارهای موجود بایستی حقیقت وجودی را با حرکت به دنبال تردید ها و گوش سپردن به نا آرامی های درون جستجو نمود. در این میان تفاوت دانستن... آموختن... و شدن موضوع برجسته ای است که نویسنده ی متن به آن پرداخته است. ساختار ساده ی نوشته و استفاده از قالب ها و اشکال، امکان جولان ذهنی در فضاها ی مختلف را برای خواننده ایجاد می کند. امیدوارم با خواندن این اثر به پاسخی نرسیم... شاید تشنگی نیافتن پاسخ، ما را به پاسخ تبدیل نماید.

دکتر مراد علیزاده

اون یکی بود؟
نه آقا اون که نبود.
پس اون کی بود؟
هیچی بابا هیچکی نبود.
این ها صداهایی بود که از توی کلاس بیرون می آمد.
همون کلاسی که توی مدرسه بود و همون مدرسه ای که توی شهر بود.
لابد می پرسید کدوم شهر؟